



|| ششمین شماره ۲ || زمستان ۱۳۹۶ ||

آسیب‌نگاری غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی در زاگرس جنوبی

عبدالرضا دشتی‌زاده*

(صص: ۱۹ - ۷)
تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۱۱
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۷

چکیده

دشت‌های جم و ریز، سعادت‌شهر، مرودشت، کازرون و اطراف شیراز، به‌عنوان پنج منطقه در استان‌های فارس، بوشهر و زاگرس جنوبی طی سال‌های ۷۹ تا ۸۶ ش. به‌وسیله نگارنده مورد مطالعه قرار گرفت. در طی بررسی، تعداد ۱۹ غار و پناهگاه‌های صخره‌ای از دشت جم و ریز در جنوب شرقی استان بوشهر شناسایی شد که تعداد ۵ محوطه آن دارای بقایای پارینه‌سنگی بودند که دامداران محلی و عشایر، مهم‌ترین گروه‌های استفاده‌کننده از غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای در این دشت بوده، و اکثراً از ساکنان استان بوشهر هستند. در این مقاله ضمن پرداختن به عوامل تخریب نخستین استقرارگاه‌های جوامع پارینه‌سنگی در زاگرس جنوبی (تنها محوطه‌هایی که به‌وسیله نگارنده بررسی شدند)، به مقایسه کلی انواع این تخریب‌ها در مناطق تحت مطالعه می‌پردازیم. فعالیت‌های معدن‌کاری و ساخت‌وسازهای غیراصولی درکنار حفاری‌های غیرمجاز از عوامل پیش‌تاز در تخریب‌های صورت‌گرفته به‌شمار می‌آیند. به‌دنبال آن، برداشت غیراصولی یافته‌های سنگی، یا ساخت‌وسازهای جوامع محلی به‌علت عدم آموزش و آشنایی اندک مدیریت‌های میراث‌فرهنگی با اهمیت آثار پارینه‌سنگی از دیگر عوامل تخریبی است. و برای جلوگیری از این تخریب، بایستی آموزش جامعه محلی و مشارکت آن‌ها در گردشگری غارها صورت پذیرد. معرفی این مکان‌های جذاب گردشگری با شیوه‌های مختلف، گامی مهم برای شناساندن این آثار است، و ساخت موزه و یا سایت موزه در غارهای مهم پارینه‌سنگی و آموزش کودکان جامعه محلی و کودکان گردشگر باعث پاسداری ادامه‌دار خواهد شد. در این پژوهش برای نخستین بار به مقوله آسیب‌شناسی محوطه‌های پارینه‌سنگی در ایران پرداخته است و روش کلی آن توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است، و از نظر هدف نیز در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد. اساس تحلیل‌ها بیش‌تر متکی بر اطلاعات، یافته‌ها و داده‌های بررسی میدانی است و مبحث پایانی آن نیز، ارائه راهکارهای عملی در باستان‌شناسی نجات بخشی جهت حفاظت از این‌گونه محوطه‌های باستانی و آموزش جامعه محلی و دانشگاهی است.

کلیدواژگان: آسیب‌شناسی غارهای تاریخی، محوطه‌های پارینه‌سنگی، زاگرس جنوبی.

*. کارشناس ارشد باستان‌شناسی سازمان میراث‌فرهنگی منطقه آزاد قشم.

مقدمه

بسیاری از مواد باستانی مانند ابزارهای سنگی و یا بقایای استخوانی در محوطه‌های داخلی یا دامنه غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای بر اثر فعالیت‌های امروزی بشر، لگدمال شده، سوخته، و از بین می‌روند. فعالیت‌های غیراصولی، راه‌سازی و معدن‌کاری از عوامل پیش‌تاز در مضطرب‌کردن نهشت‌های باستانی و یا ویرانی کلی این‌گونه مکان‌های باستانی محسوب می‌شود. بررسی‌های اخیر حاکی از آن است که برخی از غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی در جنوب زاگرس تحت تأثیر مسائل معیشتی برخی جوامع محلی و عشایر امروزی قرار گرفته و برخی نیز به روش‌های مختلف تخریب شده و آسیب دیده‌اند (Dashtizadeh, 2006 A, B, C; 2009)، (دشتی‌زاده، ۱۳۷۹؛ دشتی‌زاده، ۱۳۸۴ و دشتی‌زاده، ۱۳۸۵). بررسی عوامل تخریب این سکونت‌گاه‌های کهن بشری و ارائه راهکارهای فرهنگی جهت پاسداری از این مکان‌ها، هدف اساسی مقاله حاضر است.

روش پژوهش

این پژوهش به مقوله آسیب‌شناسی محوطه‌های پارینه‌سنگی در ایران پرداخته است و روش کلی آن توصیفی-تحلیلی با رویکرد کیفی است، و از نظر هدف نیز در زمره پژوهش‌های بنیادی قرار می‌گیرد. اساس تحلیل‌ها بیش‌تر متکی بر اطلاعات، یافته‌ها و داده‌های بررسی میدانی است.

شرح کلی مناطق مورد مطالعه

دشت‌های جم و ریز، سعادت‌شهر، مرودشت، کازرون و اطراف شیراز، به‌عنوان پنج منطقه در استان‌های فارس، بوشهر و زاگرس جنوبی طی سال‌های ۷۹ تا ۸۶ ش. به‌وسیله نگارنده مورد مطالعه قرار گرفت (تصویر ۱)، (Dashtizadeh, 2006A, B, C; 2009)، (دشتی‌زاده، ۱۳۸۴؛ دشتی‌زاده، ۱۳۸۵ و دشتی‌زاده، ۱۳۹۱).

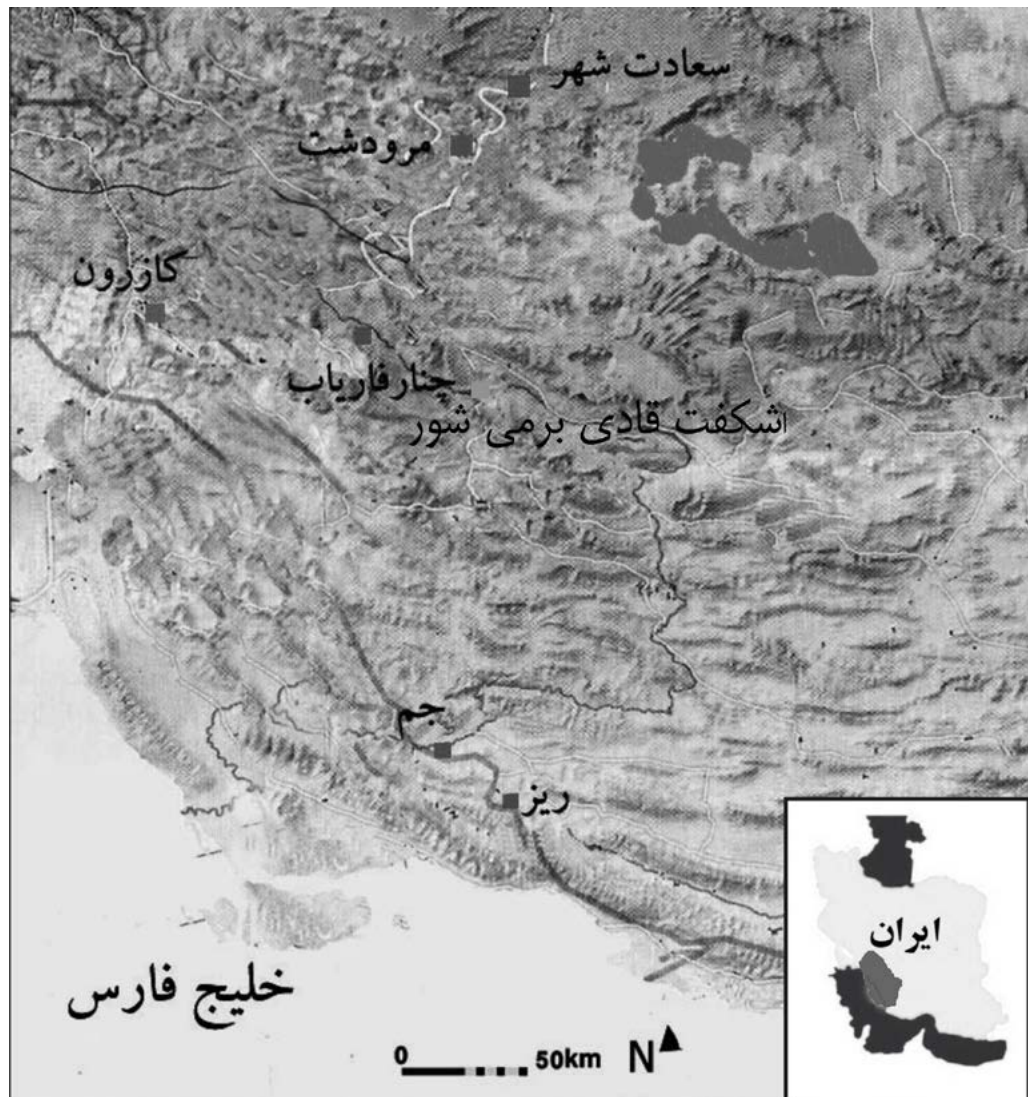
تعداد ۱۹ غار و پناهگاه‌های صخره‌ای از دشت جم و ریز در جنوب شرقی استان بوشهر شناسایی شد که تعداد ۵ محوطه آن دارای بقایای پارینه‌سنگی بودند و بقیه از لحاظ قوم باستان‌شناسی اهمیت داشتند (Dashtizadeh, 2009). دامداران محلی و عشایر، مهم‌ترین گروه‌های استفاده‌کننده از غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای در این دشت، و اکثراً از ساکنان استان بوشهر هستند. علاوه بر آن، تعداد ۱۷ غار و پناهگاه صخره‌ای در دشت سعادت‌شهر که تقریباً تمامی آن‌ها دارای بقایای پارینه‌سنگی بودند، شناسایی شد (دشتی‌زاده، ۱۳۸۵؛ دشتی‌زاده، ۱۳۹۱)، (Dashtizadeh, 2006B). البته پیش از آن ۲۱ غار و پناهگاه صخره‌ای نیز در دشت مرودشت در شمال شرقی شیراز مورد بررسی قرار گرفت. از دشت میان‌کوهی کازرون نیز تعداد ۲۷ غار و پناهگاه صخره‌ای شناسایی و بررسی شد. در مجاورت دریاچه مه‌ارلو در حاشیه شهر شیراز نیز اَشکفت قادی برمی‌شور (قدی برمیشور) مورد مطالعه مجدد قرار گرفت (دشتی‌زاده، منشرنشده؛ برفی، ۱۳۸۶).

عوامل تخریب محوطه‌های تحت مطالعه

به‌طورکلی فعالیت‌های معدن‌کاری، ساخت‌وسازهای غیراصولی، حفاری‌های قاچاق، نمونه‌برداری غیراصولی یافته‌های سنگی از دامنه محوطه‌ها و درنهایت برخی تغییرات به‌وسیله جامعه محلی و عشایر، عوامل اصلی تخریب غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای پارینه‌سنگی در این قسمت از کشور می‌باشد.

فعالیت معدن‌کاری

بیش‌ترین محوطه‌های تخریب‌شده حاصل از فعالیت‌های معدن‌کاری، در میان مناطق مورد مطالعه



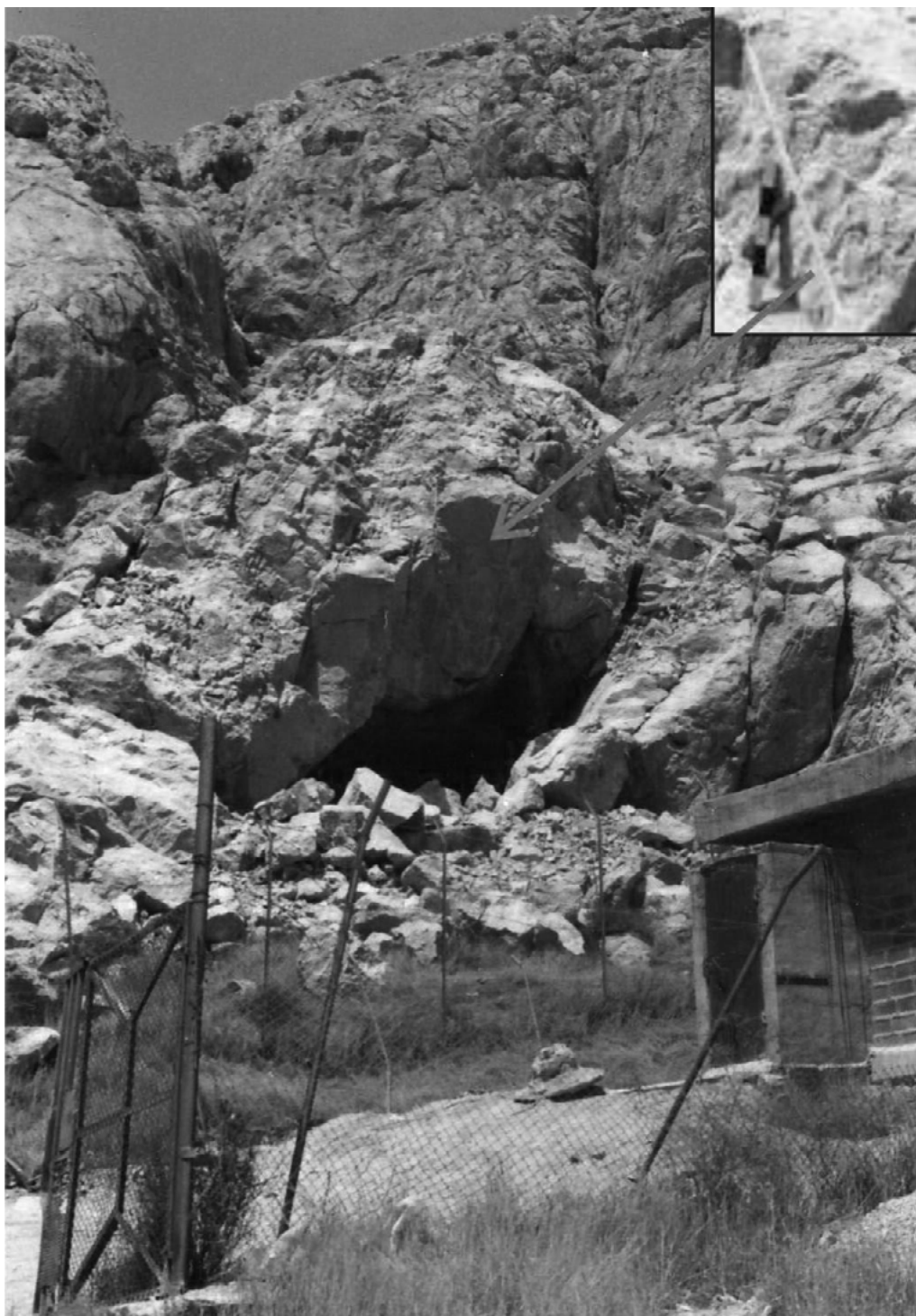
تصویر ۱. نقشه پراکندگی مناطق تحت مطالعه در زاگرس جنوبی (نگارنده).

در دشت مرو دشت و دامنه کوه سبز قرار داشتند. دامنه کوه سبز «اشکفت گاوی» از محوطه‌های مهم زاگرس جنوبی و به‌عنوان تنها محوطه پارینه‌سنگی حفاری شده در دشت مرو دشت است که از آن، بقایای پارینه‌سنگی میانی، جدید و فراپارینه‌سنگی به دست آمد (بیگلری، ۱۳۹۴؛ Rosenberg, 1985). دامنه این محوطه در فعالیت‌های شرکت پتروشیمی مرو دشت در فعالیت‌های معدن‌کاری تخریب شده است. البته این تخریب در قسمت دهانه و پیشانی غار نیز دیده می‌شود (تصویر ۲). در جلوی محوطه نیز ماشین‌آلات سنگین خاک‌برداری وجود دارند (تصویر ۳)، این تخریب در مقاله فریدون بیگلری شرح داده شده است (بیگلری، ۱۳۹۴)؛ البته ناگفته نماند که بعضی غارهای دشت مرو دشت برای نگهداری مهمات آتش‌باری جهت فعالیت‌های معدن‌کاری استفاده می‌شدند و ورود به آن‌ها امکان‌پذیر نبود.

ساخت و سازهای غیراصولی

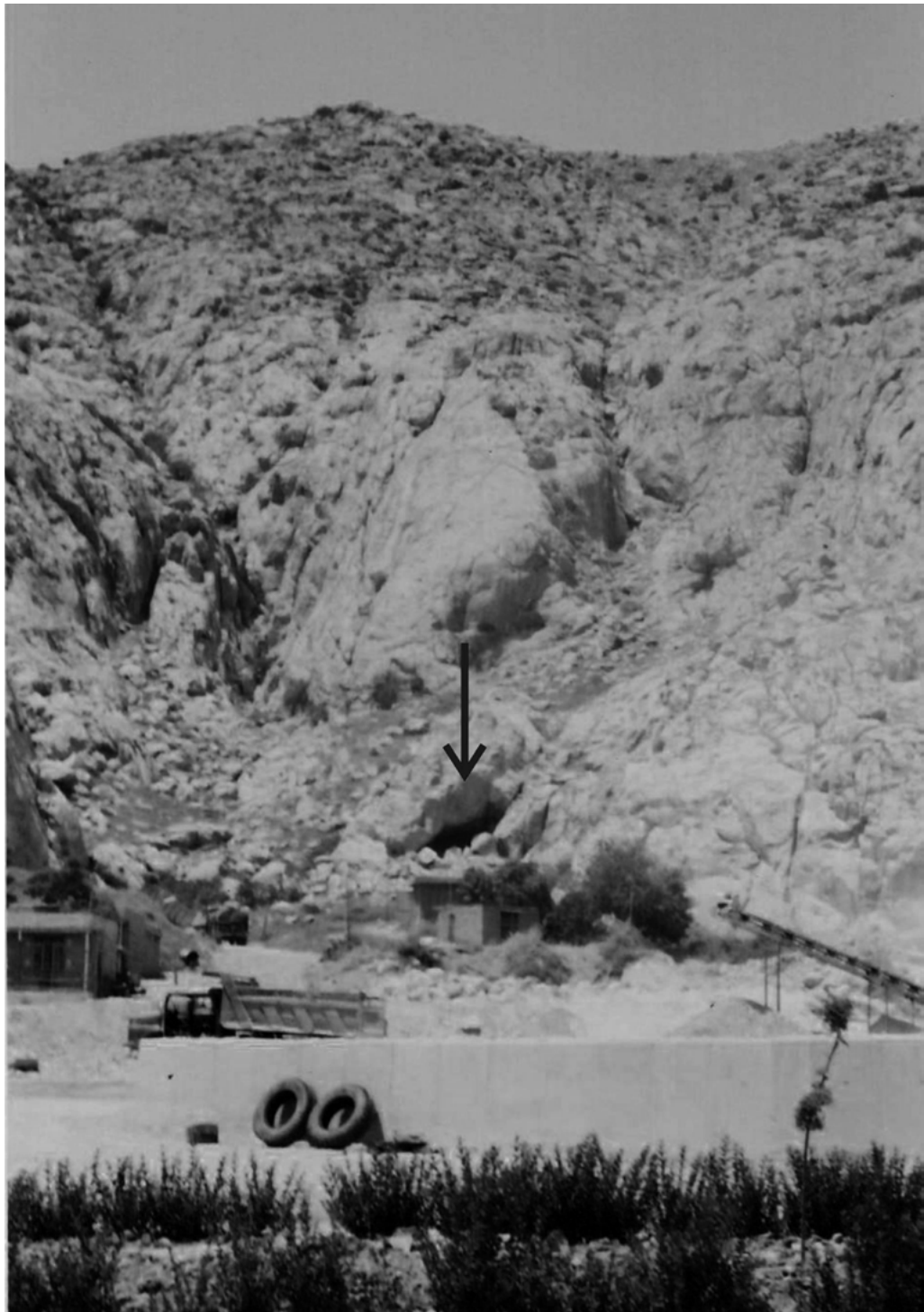
غارهای تنگ تیکو (تیکاب) در حاشیه شهر کازرون قرار دارد که در بررسی‌های انجام‌شده به وسیله جودیت پولار و نگارنده، از آن بقایای فراپارینه‌سنگی به دست آمد (Pullar, 1975: 373؛ دشتی‌زاده،

۱۳۸۴). امروزه محوطه تنگ کاملاً تخریب، و به وسیله سیمان پوشانده شده است. همچنین یکی از غارهای تنگ تیکاب به عنوان قهوه‌خانه مورد استفاده قرار می‌گیرد. کف این غار نیز کاملاً به وسیله سیمان پوشش داده شده و درون آن، تخت و سایر وسایل پذیرایی برای میهمانان وجود دارد (تصویر ۴). دامنه محوطه‌های پارینه‌سنگی مرودشت مثل غارهای «شاهی‌جان، کمرزرد و آهوچر» در دامنه کوه سبز و غار «چشمه‌سازان» (ساسون) در کازرون و «اشکفت قدی برمی‌شور»

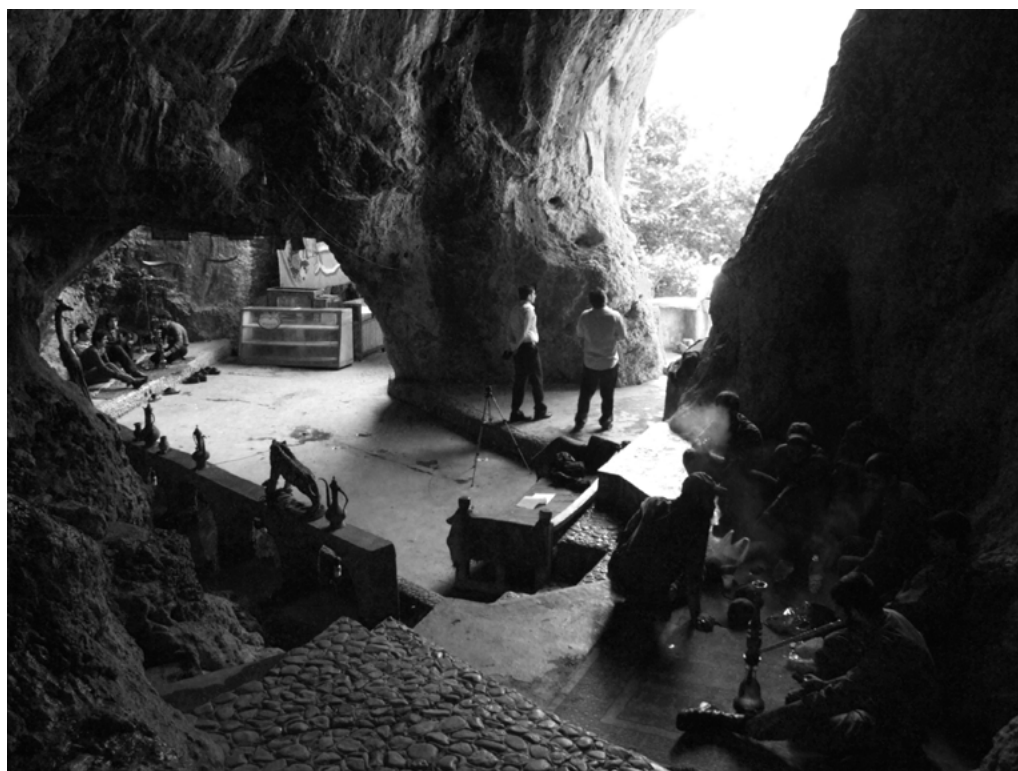


تصویر ۲. تخریب دامنه و همچنین محوطه داخلی اشکفت‌گاوی (نگارنده).

(برفی، ۱۳۸۶) نیز از فعالیت‌های راه‌سازی و برداشت خاک در امان نمانده است (تصاویر ۸-۵). در مجاورت غارهای بسیار مهم پارینه‌سنگی انجیر در دشت سعادت شهر می‌توان تونل ریل راه‌آهن را مشاهده کرد. درکنار همه این عوامل، درخت‌کاری نیز باعث تخریب دامنه غارهای تنگ بهمنیار در کازرون و اشکفت قادی برمی‌شود شده است.



تصویر ۰۳. وجود ماشین‌آلات در دامنه محوطه اشکفت‌گاوی (نگارنده).



تصویر ۴. محوطه داخلی غار تیکو، کازرون (عکس: ندا حسین‌تهرانی).

حفاری غیرمجاز

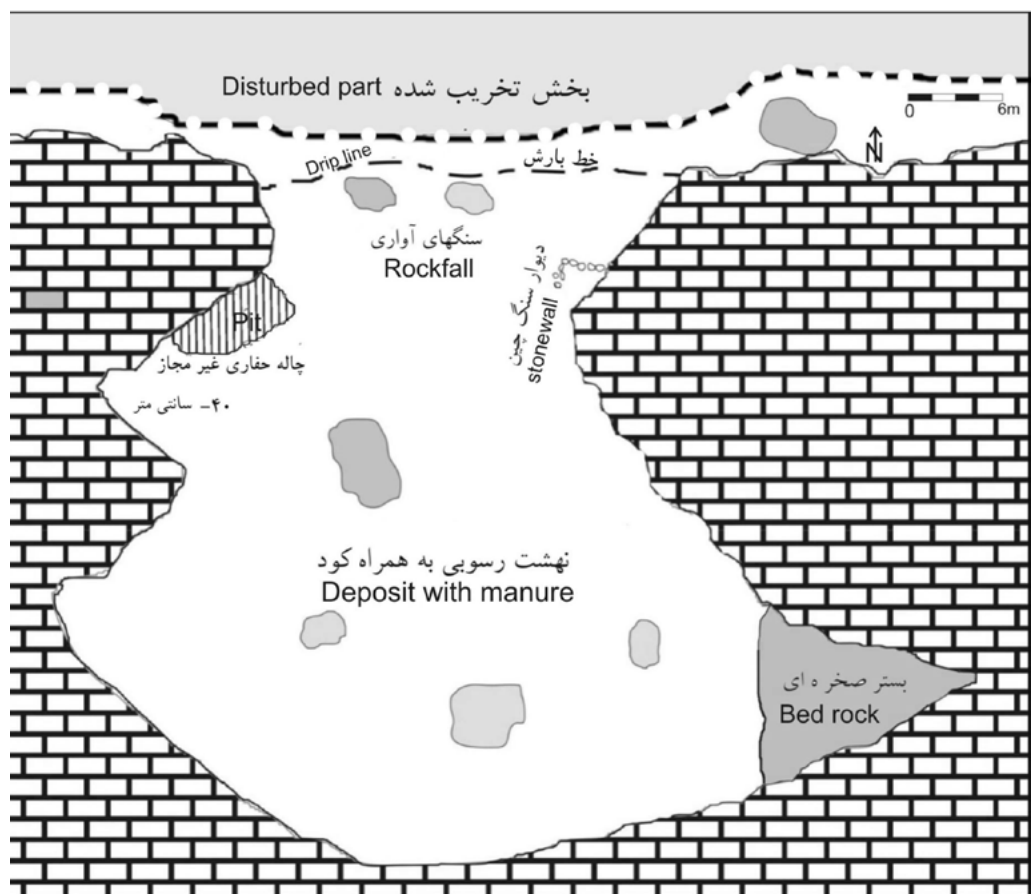
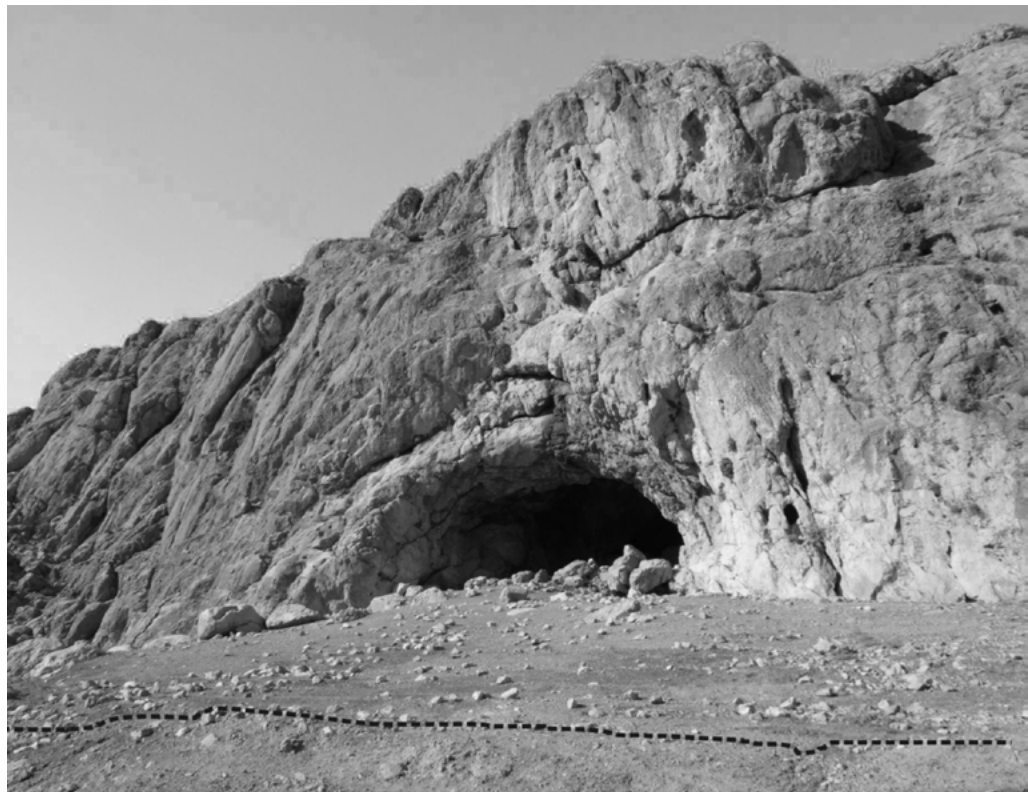
در بررسی‌های انجام‌شده این موضوع روشن شد که محوطه‌های مرودشت و سعادت‌شهر دارای بیش‌ترین میزان تخریب در اثر تب گنج‌یابی بودند. چاله‌های حفاری قاچاق در غارهای صفدر در سعادت‌شهر، غارهای حاجی‌آباد و شاهی‌جان در مرودشت مشاهده شد. در مجاورت این چاله‌ها نیز تعدادی ابزار سنگی و بقایای استخوانی مشاهده شد.

برداشت یافته‌های سنگی به وسیله برخی دانشجویان باستان‌شناسی

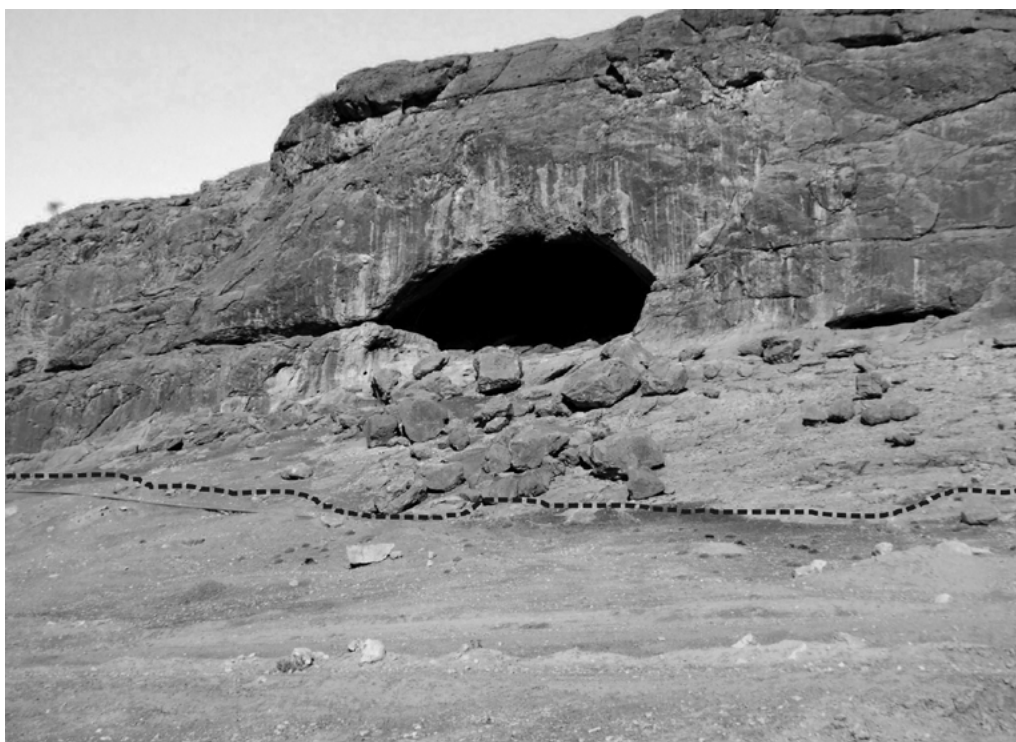
این‌گونه تخریب‌ها تنها در محوطه‌های پارینه‌سنگی مرودشت مشاهده شد. آن‌چه به صورت تجربی برای نگارنده مشخص شد این بود که متأسفانه برخی از دانشجویان باستان‌شناسی تنها برای سرگرمی و بدون هیچ‌گونه مطالعه علمی اقدام به برداشت یافته‌های سنگی می‌نمایند، و این یافته‌ها به موزه‌های تخصصی و یا سازمان میراث‌فرهنگی تحویل داده نمی‌شوند.

دخول و تصرف در محوطه‌های داخلی محوطه‌ها به وسیله جامعه محلی و عشایر، به دلیل عدم آموزش

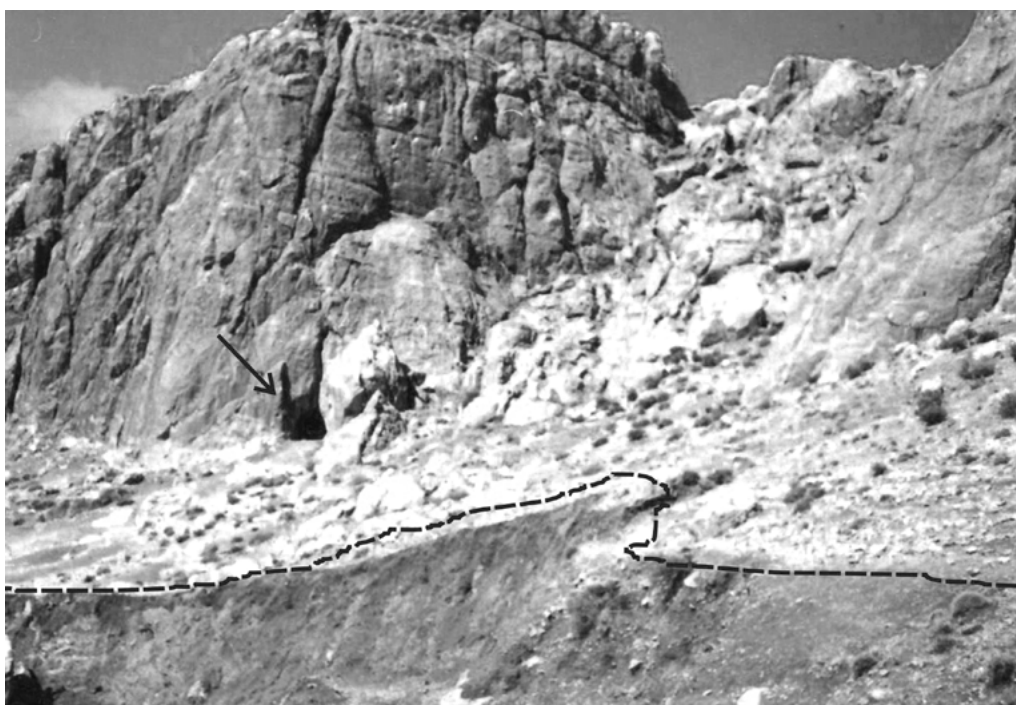
فرایندهای بشری یکی از عوامل مهم در نحوه شکل‌گیری رسوبات و همچنین ساختمان محوطه‌ها در این مناطق بود. به عنوان مثال در بسیاری از محوطه‌های دشت جم، زیر کف گلی مصنوعی و دیوارهای سنگ و ساروج به وسیله بومیان ساخته شده بود. جامعه محلی و عشایر دشت کازرون از برخی غارهایی که دارای بقایای پارینه‌سنگی بودند، جهت نگهداری گوسفندان و یا وسایل کشاورزی استفاده می‌کردند. همچنین در محوطه داخلی، طاقچه‌های گلی و تنور و اجاق نیز مشاهده شد. در دشت‌های مرودشت، کازرون و سعادت‌شهر، این تغییرات به شکل ایجاد آغل و اتاقک‌های کوچک



تصویر ۵. نمای بیرونی و نقشه اشکفت شاهی جون (شاهی جان) تخریب در اثر فعالیت جاده‌سازی، حفاری غیرمجاز (عکس: ندا حسین‌تهرانی).



تصویر ۶. تخریب دامنه غار کمرزرد، مرودشت در اثر فعالیت‌های راه‌سازی (عکس: ندا حسین تهرانی).



تصویر ۷. تخریب دامنه غار آهوچر، مرودشت در اثر فعالیت‌های راه‌سازی (نگارنده).



تصویر ۸. تخریب دامنه غار چشمه‌سازان، کازرون در اثر فعالیت‌های راه‌سازی (نگارنده).

برای نگهداری بزرگاله‌ها بود. اشکفت حاجی‌میرزایی در سعادت‌شهر نمونه‌ای از این اقدام است (تصویر ۹). به‌طورکلی این تغییرات در غارهای پارینه‌سنگی شاه‌ی‌جان، اشکفت آهویی، اشکفت حاجی‌میرزایی، صفدر، شاه‌سلمان، تنگ انارک، اشکفت گلی و بسیاری از دیگر محوطه‌ها دیده می‌شد.

راهکارهای پیشنهادی حفاظتی

به‌نظر می‌رسد نخست بایستی این محوطه‌های مهم باستانی در فهرست آثار ملی قرار گیرند و فرایندهای حفاظتی صورت گیرد. اگرچه تعدادی محوطه پارینه‌سنگی در بررسی‌های انجام‌شده به‌وسیله نگارنده ثبت اثر ملی شدند، ولی این تعداد بسیار ناکافی است و لازم است مدیریت‌های میراث فرهنگی توجه بیشتری جهت حفاظت از این‌گونه آثار به‌عمل آورند. به‌محض اعتراض سازمان میراث فرهنگی در تخریب هر محوطه، ارائه شماره ثبتی بسیار مهم است. جای شگفتی است که محوطه مهم اشکفت‌گاوی تنها در سال ۱۳۸۲ به ثبت اثر ملی رسید (شماره ثبت ۹۸۷۱-۱۳۸۲/۶/۱۱). کاوش نجات‌بخشی در قسمت‌های تخریب‌شده و مطالعه مواد فرهنگی به‌دست‌آمده از پیشنهادات مهم در این حوزه می‌باشند. اشکفت‌گاوی، اشکفت قادی برمی‌شور، غارهای انجیر و شاه‌ی‌جان در مرودشت و سعادت‌شهر و حوالی شیراز جهت انجام این مطالعات باستان‌شناسی بسیار مناسب هستند. درکنار آن، آموزش دانشجویان باستان‌شناسی به‌وسیله اساتید دانشگاه‌ها در مشخص نمودن اهمیت یافته‌های سنگی در شناخت بسیاری از جنبه‌های زندگی جوامع انسانی پارینه‌سنگی بسیار کارساز است.

یکی از وظایف اصلی سازمان میراث فرهنگی، آموزش جامعه محلی و گردشگران جهت حفظ یادمان‌های ملی است. البته این آموزش می‌تواند به‌صورت یک حرکت ملی به‌وسیله بسیاری



تصویر ۹. اشکفت حاجی میرزایی در سعادت‌شهر، ساخت اتاق در محوطه غار به وسیله جامعه محلی (عکس: ندا حسین‌تهرانی).

از ارگان‌های مرتبط نیز انجام شود. آموزش و آگاه‌سازی جامعه محلی به‌عنوان حافظان اصلی میراث فرهنگی، گامی بسیار هوشمندانه در حفاظت از این‌گونه محوطه‌های بسیار کهن باستانی است. با آموزش ادامه‌دار، جامعه محلی از این میراث کهن بشری در کنار زادگاه خویش احساس غرور کرده و حتی به‌عنوان یکی از اماکن گردشگری می‌تواند باعث درآمدزایی آنان گردد. واضح است که جامعه محلی هیچ‌گونه اطلاعی از اهمیت این آثار ندارند. تمامی محوطه‌های مورد بحث، فاقد کمترین زیرساخت گردشگری بودند و جامعه محلی در وضعیت اقتصادی نامناسب در کنار این محوطه‌ها زندگی می‌کردند. چاپ بروشور با مطالب همه‌فهم برای عموم بسیار مهم است که نمونه‌های موفق آن را در کشور می‌توان در محوطه قلعه‌بزی اصفهان، غار دربند گیلان و موزه پارینه‌سنگی کرمانشاه دید (گفت‌وگوی نگارنده با فریدون بیگلری، ۱۳۹۲). غارهای چشمه‌سازان در کازرون زیست‌گاه برخی گونه‌های جانوری است و این محیط بسیار زیبا می‌تواند به یکی از جاذبه‌های گردشگری مجموعه تاریخی بیشاپور بدل شود، و در صورت ساماندهی و ایجاد زیرساخت‌های گردشگری می‌توان به «گردشگری غار» نیز دست یافت. نکته دیگر آنکه برخی از غارها و پناهگاه‌های صخره‌ای که دارای دسترسی راحتی باشند، قابلیت ساماندهی و تبدیل به سایت موزه را دارند. ساخت سایت موزه و یا استفاده از مجسمه‌های مومی انسان‌های اولیه در حال ساختن دست‌ابزارهای سنگی و دیگر امور روزمره از دیگر راه‌کارهای آموزشی در آشناسازی جامعه است. در این حوزه غار تیکو کازرون که عملیات زی‌ساختی آن به‌وسیله شهرداری این شهر انجام شده می‌تواند به‌صورت یک سایت موزه تبدیل شود (گفت‌وگوی نگارنده با فرناز بهروزی، ۱۳۹۶). غارهای پارینه‌سنگی در صورت ساماندهی می‌توانند مورد بازدید مدارس قرار گیرند که به‌همراه آموزش چگونگی ساخت دست‌ابزارهای سنگی می‌تواند تأثیر به‌سزایی در آشناسازی ارتباط



تصویر ۱۰. غار تیکو و اقدامات زیرساختی جهت جذب گردشگر به وسیله شهرداری کازرون (عکس: مهناز بهروزی، ۱۳۹۶).

دیرینه بشر و سنگ داشته باشد و در این زمینه می‌توان به نمونه دره «دردون» فرانسه اشاره کرد (گفت‌وگوی نگارنده با فریدون بیگلری، ۱۳۹۲). غارها با داشتن فضای کاملاً خاص می‌توانند محلی مناسب برای آشنایی کودکان با ساخت دست‌ابزارهای سنگی و جنبه‌های مختلف زندگی بشر اولیه باشند. چاپ بروشورها، نمایش فیلم‌های آموزشی و بسیاری دیگر از الگوهای آموزشی باعث آشنایی کودکان با غارهای پارینه‌سنگی می‌گردد. البته ساختارهای زمین‌شناسی نیز می‌تواند به عنوان یکی دیگر از این جاذبه‌های گردشگری در نظر گرفته شود.

نتیجه‌گیری

به‌طور کلی فعالیت‌های معدن‌کاری، ساخت‌وساز غیراصولی، حفاری‌های قاچاق، نمونه‌برداری غیراصولی یافته‌های سنگی از دامنه محوطه‌ها و در نهایت فعالیت‌های معیشتی جامعه محلی به دلیل عدم آموزش، عوامل اصلی تخریب محوطه‌ها به‌شمار می‌روند. حفاری قاچاق در دشت مرودشت و سعادت‌شهر، بیش‌تر از سایر مناطق است. تخریب ناشی از فعالیت‌های معیشتی جامعه محلی و عشایر در تمامی مناطق مورد مطالعه دیده می‌شود. نمونه‌برداری غیراصولی یافته‌های سنگی که تنها در مرودشت مشاهده شد، یکی از مهم‌ترین عوامل تخریب است. فعالیت‌های معدن‌کاری تنها در مرودشت باعث تخریب اشکفت‌گاو و بسیاری از محوطه‌های مهم پارینه‌سنگی گردیده و ساخت‌وسازهای غیراصولی مهم‌ترین عامل تخریب و آسیب‌رسانی به محوطه‌های کازرون است.

آشنایی اندک مدیریت‌های میراث‌فرهنگی با اهمیت آثار پارینه‌سنگی باعث گردیده که توجه اندکی به حفاظت این محوطه‌ها شود. به موازات آن، این آثار به‌تعداد بسیار اندک در فهرست آثار ملی قرار گرفته‌اند. اشکفت‌گاو نمونه‌ای کاملاً روشن از این کاستی است. شوربختانه هیچ آموزشی نیز از سوی مدیریت‌های میراث‌فرهنگی بر روی جامعه محلی برای آشنایی با این آثار صورت نگرفته است. به‌طور کلی نخست ثبت این محوطه‌ها در فهرست آثار ملی و آموزش جامعه محلی جهت حفاظت از آن‌ها پیشنهاد می‌شود. از سوی دیگر ایجاد زیرساخت‌های گردشگری برای محوطه‌هایی با دسترسی آسان بسیار مهم است که خوشبختانه در این حوزه در سال‌های اخیر غار تیکو کازرون به‌وسیله شهرداری این شهر به‌صورت یک محوطه گردشگری تبدیل شده است (تصویر ۱۰).

همچنین به‌دنبال آن بایستی آموزش جامعه محلی و مشارکت آن‌ها در گردشگری غارها صورت پذیرد. معرفی این مکان‌های جذاب گردشگری با شیوه‌های مختلف، گامی مهم برای شناساندن این آثار است، و ساخت موزه و یا سایت موزه در غارهای مهم پارینه‌سنگی و آموزش کودکان جامعه محلی و کودکان گردشگر باعث پاسداری ادامه‌دار خواهد شد.

سپاس‌گزاری

از دوست بزرگوار دکتر فریدون بیگلری، مسئول بخش پارینه‌سنگی موزه ملی ایران به‌خاطر راهنمایی‌های بسیار سودمند و ارسال مقاله‌های ارزشمند، نهایت تشکر و قدردانی را دارم. از آقای مسعود رضایی منفرد رئیس اداره میراث‌فرهنگی مرودشت نیز به‌خاطر همکاری صمیمانه در بررسی مرودشت، سعادت‌شهر و تهیه پرونده ثبتی، نهایت قدردانی را دارم، و همچنین از دکتر محمدرضا طالبیان مدیر وقت پایگاه پارسه- پاسارگاد به‌خاطر همکاری در ثبت اشکفت‌گاو، و نیز از دوستان عزیز آقایان سیروس برفی به‌خاطر ارسال مقاله و همراهی در بررسی‌ها و سایر عزیزان مثل فرهاد زارعی کردشولی، پارسا قاسمی، سیروس برفی، حسام‌الدینی، و سلیمان جهان‌بخشی به‌خاطر همراهی در بررسی‌های باستان‌شناسی، و در پایان نیز از ندا حسین‌تهرانی و همچنین خانم فرناز بهروزی (کارشناس باستان‌شناس) به‌خاطر ارسال مطالب در مورد غار تیکو کازرون تشکر می‌کنم.

کتاب‌نامه

- بیگلری، فریدون (۱۳۹۴). «انسان گرگ‌انسان، شواهد احتمالی از آدمخواری در میان شکارگران اوخر عصر سنگ در جنوب زاگرس»، دانش‌نامه، شماره ۸، صص: ۱۱۸-۱۱۹.
- برفی، سیروس (۱۳۸۶). «نخستین غار شناسایی‌شده از دوره پارینه‌سنگی ایران». دو فصلنامه باستان‌پژوهی. شماره ۳. نشریه هسته علمی دانشجویان باستان‌شناسی دانشگاه تهران. ص: ۱۱۱.

- دشتی‌زاده، عبدالرضا (۱۳۷۹). «گزارش کوتاه بر روی غار چشمه‌سازان کازرون». نشریه عرصه. شماره ۱، نشریه هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون. صص: ۶۷-۶۱.
- دشتی‌زاده، عبدالرضا (۱۳۸۴). «بررسی پارینه‌سنگی دشت میان‌کوهی کازرون». مجموعه مقالات دومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران، به‌کوشش: شهرام زارع، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری. صص: ۴۸ - ۲۵.
- دشتی‌زاده، عبدالرضا (۱۳۸۵). «شناسایی محوطه‌های پارینه‌سنگی دشت کازرون». کازرونیه جلد ۲. به‌کوشش: عمادالدین شیخ‌الحکمایی، تهران: کازرونیه. صص: ۴۹-۳۵.
- دشتی‌زاده، عبدالرضا (۱۳۹۱). «بررسی پارینه‌سنگی در دشت سعادت‌شهر، شمال شرقی استان فارس». مجموعه مقالات سومین همایش باستان‌شناسان جوان ایران. به‌کوشش: شهرام زارع، تهران: انتشارات بصیرت. صص: ۸۰-۶۷.
- دشتی‌زاده، عبدالرضا، «بررسی مجدد اشکفت قادی برمی‌شور، حاشیه دریاچه مه‌ارلو». جنوب شرقی شیراز (منتشر نشده).

- Barfi, S. (2007). "The first of cave detected from Paleolithic period of Iran". *Journal of Bastan Pazhoi*, No. 3, P.P. 111.

- Dashtizadeh, A. (2000). "A short report from cave of Cheshmeh sasan in Kazeron". *Journal of Arseh*, No. 1, P.P. 61-67.

- Dashtizadeh, A. (2005). "Survey of Paleolithic in Kazeron plane". *Book of Articles of second conference of Bastan Shenasan Javan Iran*, P.P. 25-48.

- Dashtizadeh, A. (2006a). "Cheshmeh Sassan cave: a Paleolithic base camp site located in Chogan Gorge, in Kazeroun S.W of Fars province- Iran". *International conference on South Asian archaeology*. India: University of Mumbai.

- Dashtizadeh, A. (2006b). "Report of archaeological survey of Paleolithic sites at Marvdasht, Fars Province- Iran". *Book of abstract, Gwalior*. A. K. Singh & R. A. Sharma (eds), P.P. 28-29.

- Dashtizadeh, A. (2006c). "Survey of a Paleolithic region, Sa-adatshahr plain in north-east Fars province, Iran". *Book of abstract, Gwalior*. A. K. Singh & R. A. Sharma (eds), P.P. 29-29.

- Dashtizadeh, A. (2006d). *The survey of Paleolithic sites in Kazeron plane*. To effort of Emad Aldin Shikh Alhokamai. No. 2. Tehran: Kazeronieh press.

- Dashtizadeh, A. (2012). "Survey of Paleolithic in Saadat Shahr, in northeast of Fars province". *Book of Articles of third conference of Bastan Shenasan Javan Iran*, P.P. 67-80.

- Dashtizadeh, A. (2009). "Paleolithic remains from the north coast of the Persian Gulf: Preliminary results from the Jam-o-Riz plain, Bushehr Province, Iran". *Journal of Antiquity*, No. 83, P.P. 319.

- Pullar, J. (1975). "The Neolithic at Iranian Zagros". Ph.D thesis, London: University of London.

- Rosenberg, M. (1985). "Report on the 1978 Sondage at Eshkaft- e Gavi". *IRAN*, No. 23. P.P. 51-62.